



نگرشی بر حقوق کودک از دیدگاه اسلام

حجت الاسلام والمسلمین

دکتر بهرام محمدیان

سیاسی اوست و بخش دیگر در زمینه مسائل فرهنگی، اخلاقی، مذهبی و ... البته این نیازها به جهت رتبه و اهمیت و اولویت نیز قابل تقسیم هستند، اما آنچه مسلم است این نیازمندی و فقر لازمه وجودی انسان برای طی مراحل کمال در تقرّب الی الله است که در مسیر تعلیم و تربیت دینی باید به صورت مناسب و متناسب با مراحل رشد انسانی به آنها پاسخ داده شود. نقش پدر، مادر، معلم و مربی، مسوولان و کارگزاران نظام اسلامی در تأمین و تحقق این نیازها و خواستها بسیار مهم و اساسی است. آنچه در این بخش به بحث درباره آن می پردازیم، نیاز به مهر و محبت در عموم انسانها و ضرورت و لزوم مهرورزی نسبت به کودکان به عنوان یک حق مسلم است. به تعبیر

پس از بررسی اولویت های تعلیم و تربیت اسلامی که در شماره پیش بدان پرداخته شد، اینک حق محبت و مهرورزی نسبت به کودکان مورد بحث قرار می گیرد.

۱۰- حق محبت و مهرورزی نسبت به کودکان:

انسان موجودی است با نیازهای متعدد که نمی توان او را از نیازهایش جدا ساخت. برخی از این نیازها مربوط به جسم و تن و برخی دیگر مرتبط با روح و روان اوست. بخشی از این نیازها در زمینه حیات اجتماعی، اقتصادی و

و تفریحات کودکانه آنان را کمک می‌کردند و در حق کودکان دعا نموده، آنها را برای خیر و صلاح تشویق می‌کردند.^۱ شعرهایی نیز منسوب به فاطمه زهرا سلام الله علیهاست که در حال بازی دادن فرزندانشان می‌خواندند. این اشعار همچون زمزمه‌هایی آگاهی بخش و آکنده از مهر و محبت گوش و هوش فرزندان را می‌نواخت. به عنوان نمونه روایت کرده‌اند که فاطمه زهرا سلام الله علیها خطاب به امام حسن علیه السلام چنین می‌خواندند:

أَتَيْتُ أَبَاكَ يَا حَسَنُ
وَ أَخْلَعُ عَنِ الْخَلْقِ الْوَسْنَ
وَ اغْبِذُ إِلَهِي هَذَا مَنِّي
وَلَا تُؤَلِّهِ وَالِدٌ إِلَّا حَسَنٌ

"حسن جانم همانند پدرت باش و حق را از بند رها کن. خدای صاحب احسان و منت را بندگی کن و از کینه‌ورزان پیروی مکن"

آری کودک از اینکه در دامن گرم مادر آرمیده و از سینه او شیر می‌خورد و از نگاهها و نوازشهای محبت‌آمیز او بهره‌مند می‌شود، احساس محبوبیت می‌کند. مراقبت و حمایت نمودن، خواندن و زمزمه کردن و لبخند زدن مادر به روی کودک علائم مهرورزی نسبت به فرزندش است که کودک آن را به‌خوبی دریافت می‌کند. نوزاد هر چند در روزها و ماههای اول راهی برای ابراز علاقه و رضایت متقابل نمی‌شناسد و تنها با آرامش و خواب راحت آن را اعلام می‌کند، اما بعد از مدتی نه چندان طولانی با لبخند شیرین مراتب علاقه‌مندی و رضایتمندی خود را از والدین نشان می‌دهد و با دیدن چهره خندان مادر و شنیدن زمزمه و صدای گرم او به وجد و شغف می‌آید و با دست و پا زدن و تبسم و خنده‌های آرام، آغوش گرم

یکی از صاحب‌نظران تربیتی، "از بین مجموعه نیازهای آدمی شاید هیچکدام به اهمیت و اعتبار نیاز عاطفی و احتیاج به مهر و محبت نباشد."^۲ اساساً محبت برای انسان نیازی طبیعی به‌شمار می‌رود و زندگی بدون محبت سرد و بی‌صفا و خسته‌کننده است. محرومیت از محبت موجب بروز عوارض و صدمات روانی می‌شود که ریشه و منشأ بسیاری از ناهنجاریها و ناسازگاریها به‌شمار می‌آید. هر انسانی آرزومند است که محبوب دیگران باشد و از اظهار محبت دلگرم و مسرور می‌شود. همچنانکه متقابلاً دوست دارد نسبت به افراد دیگر دلبستگی داشته باشد و ابراز محبت و علاقه نماید تا پایه‌های روابط استوار و زندگی پرشور و نشاط‌گردد. تأمین این نیاز روانی مانند تأمین سایر نیازمندیهای روحی تأثیر شگرفی در ساختمان شخصیت انسان، مخصوصاً در مراحل اولیه زندگی دارد.

خلل‌پذیر بود هر بنا که می‌بینی مگر بنای محبت که خالی از خلل است از نظر اسلام این تبادل محبت و مهرورزی باید از دوران کودکی آغاز و پایه‌ریزی شود و بهترین و برترین کسانی که باید آن را پایه‌گذاری کنند، والدین، مخصوصاً مادر است. به‌همین جهت تمام مریبان را امر به محبت کودکان می‌نماید. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در دستوری صریح بیان می‌فرمایند: "أَحِبُّوا الصِّبْيَانَ وَارْحَمُوهُمْ..."^۳ کودکان را دوست بدارید و آنها را مورد لطف و رحمت قرار دهید... این توصیه در سیره و سنت نبوی (ص) کاملاً مشهود است و بارها در تاریخ زندگی ایشان گزارش شده است که نسبت به کودکان ابراز علاقه و محبت می‌کردند، در بازیها

عامل عمده و مؤثری در رشد و تکامل عاطفی او می باشد.^۶

چنانکه در بحث استفاده از شیرمادر اشاره کردیم، اسلام استفاده و بهره‌مندی از شیرمادر را حق کودک می‌شمارد و تغذیه با آن را حتی از تغذیه با شیر دایه و یا سایر انواع شیرها برتر می‌شناسد، زیرا در صورت اول کودک علاوه بر شیر، از عواطف مادری نیز برخوردار می‌شود. کودک در دوران شیرخوارگی چنان به مادر خود وصل و وابسته است که به جرأت می‌توان گفت تنها چیزی که حس و لمس می‌کند گرمی و حرارت بدن مادر است و حتی در سایه آن میل به غذا و اشتهای به آن شکل می‌گیرد. نوزاد را اگر به آغوش بگیرند خوشحال می‌شود و صدای شادمانه‌ای از خود بروز می‌دهد و اگر او را از دامان مادر دور سازند و یا به محیط جدیدی منتقل کنند، اعتراض و خشم خود را با گریه کردن نشان می‌دهد. یکی از نویسندگان درباره تأثیر محبت و

مادر را طلب می‌کند و در همین مسیر خوی تبادل محبت در او پایه‌گذاری می‌گردد. امروزه تجارب علمی نیز حکایت از این دارند که کودک شیرخوار تنها به وسیله شیرمادر رشد و نمو نمی‌کند، بلکه توجه و عاطفه‌ای که مادر به کودک شیرخوار خود نشان می‌دهد در رشد او مؤثر است و این غذای عاطفی، اهمیتش از غذای بدنی در رشد کودک کمتر نیست. یکی از صاحب‌نظران در این باره می‌نویسد: "باید دانست که مهمترین احتیاج عاطفی فرد در دوران کودکی احتیاج به مهر و توجه است. زیرا کودک همان‌گونه که به شیرمادر نیاز دارد و بی آن زندگی برایش دشوار و گاهی غیرممکن خواهد بود، به همان میزان نیز به زندگی تحت مراقبت والدین و برخورداری از توجهات آنان نیازمند است. کودک باید همواره احساس کند که مادر و پدرش او را دوست دارند و حامی او هستند و همین محبت و توجه محیط روانی آرام و قابل اعتمادی برای کودک فراهم می‌کند که



توجه عاطفی به کودکان در تغذیه و سلامت جسمی آنها می نویسد:

"مطالعات" هانت"، روان شناس معاصر امریکایی، در پرورشگاهها نشان داده است کودکانی که در موقع تغذیه در آغوش پرستاران قرار نمی گرفته و گرمی بدن آنها را احساس نمی کرده اند، به تدریج نسبت به محیط غیر حساس شده و به تغذیه نیز علاقه ای نشان نمی داده اند. حتی در بعضی موارد، این بی علافگی به غذا سبب بی اشتهایی و نهایتاً مرگ آنها شده است. گاه نیز بروز اختلالاتی مانند سوء هاضمه و کم خوابی - که هیچ نشانه جسمانی برای آنها یافت نشده است - مربوط به محرومیت کودک از محبت مادر بوده است.^۷

به یقین محبت و مهربانی در خانواده، پایه اساسی پرورش صحیح عواطف کودک است و در پرتو آن می توان احساسات کودک را به خوبی هدایت نمود و او را به راه صحیح و مسیر سعادت بخش سوق داد. بینش اسلامی حتی برای تحریک و تحریر جامعه انسانی به انجام کارهای نیک و شایسته و بازداشتن آنان از بدیها و کژیها، به عنصر محبت و مهرورزی تکیه کرده و با زبان احساس و عاطفه سخن گفته است.

برای نمونه می توان به آیاتی اشاره کرد که خداوند دوستی خود را با گروه مورد نظر اعلام داشته است. به عنوان مثال:

* "إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ" التَّوَّابِينَ^۸ - خداوند توبه کنندگان را دوست می دارد.

* "وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ"^۹ - خداوند نیکوکاران را دوست می دارد.

* "وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ"^{۱۰} - خداوند صابران و شکیبایان را دوست می دارد.

* "إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ"^{۱۱} - خداوند عدالت

پیشگان را دوست می دارد.

* "إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ"^{۱۲} - خداوند پرهیزگاران را دوست می دارد.

در مقابل برای باز داشتن از کردار زشت و ناروا نیز از همین روش و اسلوب استفاده می کند و ناخرسندی خداوند را از خطاکاران و معصیت کاران به زبان احساس و عاطفه بیان می کند. به عنوان مثال به آیات ذیل توجه شود:

* "وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ"^{۱۳} - خداوند ستمکاران را دوست نمی دارد.

* "إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُشْتَكِرِينَ"^{۱۴} - خداوند متکبران و سرکشان را دوست نمی دارد.

* "وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ"^{۱۵} - خداوند کافران گناه پیشه را دوست نمی دارد.

* "وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفَاسِدَ"^{۱۶} - خداوند فساد و تباهی را دوست نمی دارد.

* "إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ"^{۱۷} - خداوند خیانتکاران را دوست نمی دارد.

با توجه به این آیات معلوم می شود که محبت نیرومندترین قدرت محرک بشر در تمام مظاهر گوناگون زندگی است. محبت احساس مطبوع و دلپذیری است که با وجود آن مشکلات آسان و سختی ها قابل تحمل می گردد. در مسیر تربیت عامل محبت قوی ترین عنصر برای پذیرش و تحمل و تفاهم است. اگر در خانواده محبت متقابل حاکم شود و پدر و مادر بتوانند محیطی آکنده از مهر و عواطف به وجود آورند، راه تفاهم و همکاری برای فرزندان باز می شود. مآلاً پرورش و تربیت در چنین محیط خانوادگی، فرزندان را در محیط بزرگ اجتماعی نیر با مردم مهربان و رثوف می سازد. اما اگر کودک از پدر و مادر و نزدیکان محبت نبیند و یا لذت مهربانی را نچشیده باشد، اساساً



حضرت می فرمایند: " إِنَّ اللَّهَ لَيَبْزَخُمُ الْعَبْدَ
لِشِدَّةِ حُبِّهِ لَوْلَايَهُ " ۱۹

بوسیدن کودک

معمولاً کودک علاقه مند است که پدر و مادر و خویشاوندان و نزدیکان او را بوسند و در آغوشش بگیرند و از طرف دیگر می بینیم که او نیز می خواهد عاطفه خود را متقابلاً نشان دهد و بوسه های گرم خود را به گونه های پدر و مادر و یا دیگران نثار کند. بوسیدن و بوسه زدن کودک امری است که نیاز او را به محبت سیراب می کند و او را راضی می سازد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: " أَكثَرُوا مِن قَبْلَةِ أَوْلَادِكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قَبْلَةٍ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ مَا بَيْنَ كُلِّ دَرَجَةٍ خَمْسِمِائَةَ عَامٍ " ۲۰ - فرزندان خود را زیاد بوسید. زیرا با هر بوسه، برای شما مقام و مرتبه ای در بهشت فراهم می شود که فاصله میان هر مقامی پانصد سال است.

عدم توجه به این نیاز عاطفی فطری در کودک جفاکاری در حق اوست و موجب

معنی محبت و مهرورزی را نمی فهمد و این حقیقت روحانی و حیات بخش را ادراک نمی نماید. اگر در زندگی تندی و خشونت بیند و یا اینکه با او بی مهری و بی توجهی شود، او نیز با مردم همان گونه رفتار می کند. لذا برای صیانت جامعه و حفظ آینده انسانها، اسلام پدران و مادران، معلمان و مربیان را موظف به رعایت لطف و مهربانی با کودکان و نونهالان می کند. حتی پیامبران الهی نیز به دوستی با کودکان می یابند تا جامعه انسانی به تأسی از آنها در حق فرزندان شان لطف و محبت را مضاعف گرداند. نقل شده است که حضرت موسی علیه السلام از خداوند متعال در مورد بهترین اعمال سؤال نمود، جواب آمد که دوستی با کودکان بهترین اعمال است، زیرا آنها را با توحید خود سرشته ام و اگر آنان بمیرند، آنها را به رحمت خود داخل در بهشت می کنم. " ۱۸

از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است، خداوند در اثر مهرورزی به فرزندان، بنده خود را مورد رحمت قرار می دهد. آن

عقوبت الهی است. در روایتی آمده است، شخصی در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اظهار کرد که من تا به حال کودکی را نبوسیده‌ام. حضرت در وصف او فرمود: "هَذَا رَجُلٌ عِنْدِي أَنَّهُ مِنْ أَهْلِ النَّارِ"^{۲۱} - این شخص [مجازانش] در پیش من، جایگاهش آتش است. در جای دیگری آمده است: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، حسن و حسین علیهما السلام را می‌بوسید که شخصی به نام اقرع بن حابس گفت: من ده فرزند دارم که هیچیک از آنها را هرگز نبوسیده‌ام. پیامبر فرمود: "مَنْ لَا يَزْحَمُ لِأَيِّزَحَمَ"^{۲۲} - کسی که مهربانی نکند، مهر و محبت نخواهد دید. اما در روایتی از حفص فرّاء که در بحار الانوار آمده است، نقل می‌کند: "رنگ چهره پیامبر تغییر کرد و فرمود: اگر خداوند رحمت و مهربانی را از قلب تو ریشه کن کند یا تو چه خواهد کرد؟ هیچ می‌دانی هر کس به کودکان مهربانی نکند و بزرگترها را عزیز شمارد، از ما نیست!"^{۲۳}

اظهار محبت زبانی

شاید کسی بگوید: "مگر می‌شود پدر یا مادری فرزند خود را دوست نداشته باشد؟ آری همه پدران و مادران فرزندان خود را دوست می‌دارند، اما ممکن است برای جلوگیری از بعضی سوء استفاده‌ها، آن را بروز ندهند و یا اگر در مورد کودک سختگیری می‌کنند در جهت تربیت اوست."

چنانکه قبلاً نیز اشاره کردیم دوست داشتن فرزند امری فطری است، اما امور فطری هم دچار تحریف، تعطیل و تعدیل می‌شوند. برای جلوگیری از تحریف این علاقه درونی و یا تعطیل آن، اسلام توصیه‌های لازم و مؤکد را

می‌نماید تا علاوه بر توجه، روش ابراز محبت و مهربانی را نیز آموخته باشد. یکی از آنها بوسیدن فرزند بود که بدان اشاره کردیم. راه دیگر مهرورزی، ابراز محبت است که در لسان روایت و قرآن از آن تعبیر به مؤدت شده است، یعنی اعلام و اظهار دوست داشتن. به تعبیر دیگر واژه مؤدت نیز به دوست داشتن دلالت می‌کند بدون آنکه الزامی به بیان آن باشد، ولی در واژه مؤدت، دوست داشتن همراه با ابراز کردن آن مورد نظر است. شاید به همین خاطر است که در آیه شریفه: "قُلْ لَا اسْتَلْكُمْ عَلَيْهِ اجْرًا إِلَّا الْمُؤَدَّةَ فِي الْقُرْبَى"^{۲۴} - ای پیامبر بگو من برای ابلاغ رسالت از شما مزدی نمی‌خواهم، مگر اینکه دوستی با نزدیکان و خویشاوندانم را اعلام کنید، واژه "مؤدت" استفاده شده است تا معلوم شود دوست داشتن خاندان پیامبر به صورت قلبی کفایت نمی‌کند و باید به زبان نیز صادر شود. همچنانکه در آیه شریفه سوره روم که در باره زندگی زن‌شویی است می‌فرماید: "... وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً..."^{۲۵}

یعنی در زندگی مشترک محبت و دوست داشتن باید بر زبان آید و اظهار شود و این گفتن و شنیدن زبان را بیاراید و گوش را بنوازد. درباره فرزندان نیز مهرورزی با تعبیر مؤدت ذکر شده است، یعنی پدران نباید دوست داشتن خود را در دل مکتوم کنند، بلکه لازم است آن را بر زبان آورند و اظهار نمایند.

علی‌ای حال در مسیر تربیت انسانها مخصوصاً کودکان محبت اکسیری است که مس وجود انسان را به طلا تبدیل می‌کند، آب حیاتبخشی است که شادابی و طراوت را به جانهای پژمرده و افسرده باز می‌گرداند و روح امیدی است که انسان را در برابر لغزشها و

می‌کنند مورد نکوهش قرار می‌دهد: " شَرُّ أَلْبَابٍ مَنْ دَعَا الْبِرَّ إِلَى الْإِفْرَاطِ " ۲۶ - بدترین پدران کسی است که در نیکی به فرزند خود افراط و زیاده‌روی کند.

نکته دیگر که باید در محبت ورزیدن بدان توجه کرد، رعایت عدالت در بین فرزندان است. حتی اگر به هر علتی والدین یکی از فرزندان خود را بیشتر دوست داشته باشند، نباید آن را اظهار کنند، زیرا کودکان آن را درمی‌یابند و تبعیض تخم‌کینه و حسد و قهر و جدایی را در دل آنها می‌کارد. در بسیاری از روایات بر این نکته مهم تربیتی تأکید شده است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند: " اتَّقُوا اللَّهَ وَاعْبُدُوا فِي أَوْلَادِكُمْ " ۲۷ - از خدای بترسید و در بین فرزندانان به عدالت رفتار کنید.

در جای دیگر فرموده‌اند: " در بین فرزندانان در هدیه دادن و عطیه عدالت را مراعات کنید، همچنانکه دوست می‌دارید در بین شما در نیکی و لطف به عدالت رفتار شود. " ۲۸ و یا اینکه فرموده‌اند: " در هدیه دادن به فرزندانان مساوات داشته باشید و اگر خواستید کسی را ترجیح بدهید، دختران را ترجیح دهید. " ۲۹

با توجه به آثار تخریبی تبعیض و عدم رعایت عدالت در بین فرزندان، آنجا که خوف فتنه، دشمنی، حسد و کینه و فساد باشد، فقها فتوا به حرمت داده‌اند. امام خمینی می‌فرماید: " تبعیض میان فرزندان در بخشش مکروه است، و در مواردی که موجب فتنه، دشمنی، حسد، کینه و فساد گردد، حرام است. " ۳۰

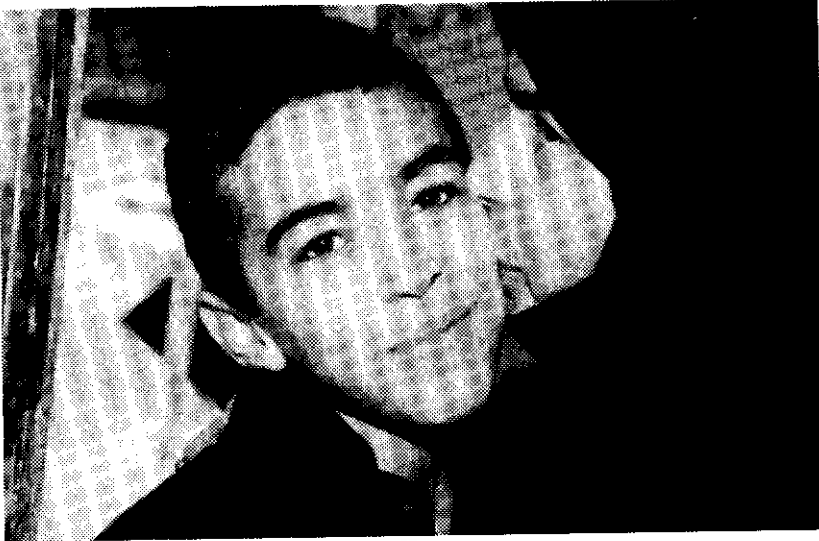
پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم حتی در مورد بوسیدن فرزندان به رعایت

لرزشها پایدار می‌سازد. به تعبیر مولانا جلال‌الدین رومی:

از محبت تلخها شیرین شود
وز محبت مسها زربن شود
از محبت دردها صافی شود
وز محبت دردها شافی شود
از محبت خارها گل می‌شود
وز محبت سرکه‌ها مل می‌شود
از محبت سجن گلشن می‌شود
بی محبت روضه گلخن می‌شود
از محبت نار نوری می‌شود
وز محبت دیو حوری می‌شود
از محبت نیش نوشی می‌شود
وز محبت شیر موشی می‌شود

عدم افراط و رعایت عدالت

در مهرورزی و ابراز محبت دو نکته حائز اهمیت و قابل توجه است. نکته اول عدم افراط در مهرورزی است. همچنانکه تفریط در محبت خطرناک و آفت‌زاست و ریشه امید و نشاط و حیات را در وجود انسان می‌خشکاند، افراط در محبت نیز آن را می‌پوساند. پس خشکیدن و پوسیدن نتیجه نامطلوبی است که در هر دو روش مشترک است. تعادل و توازن در مهرورزی عامل بالندگی و رشد یافتن است. آنچه در دین سفارش شده است رعایت اعتدال است. افراط در محبت نتیجه‌اش پرتوقع بارآمدن کودک، جوانه زدن ریشه‌های خود پسندی و عجب، سرکشی کردن کودکان در برابر حقیقت و یا به عکس عدم اعتماد به نفس و احساس وابستگی شدید است. امام باقر علیه‌السلام این نوع تربیت را بدترین نوع آن می‌شمارد و پدرانی را که این‌گونه تربیت



از حوادث ناگوار تاریخی می‌بینیم و بسیاری از کتب ادبی و تاریخی به واقع یا به تمثیل و حکایت آثار منفی و دردناک چنین برخوردها را گزارش کرده‌اند. داستان فرزندان فریدون در شاهنامه، حکایت فرزند کوتاه قد پادشاه در گلستان سعدی و بالاتر از همه مورد حسد قرار گرفتن حضرت یوسف علیه‌السلام از سوی برادران، نمونه‌هایی از این قبیل است.

در پایان این بخش یادآور می‌شویم که اگر کودکان ما از محبت و مهربانی به اندازه کافی بهره‌مند شوند، در زندگی آینده خود، افرادی واقع بین، دارای روحیه‌ای با نشاط، اندیشه‌ای مستقل، خلاق، مبتکر و کنجکاو خواهند بود که با اعتماد به نفس و آرامش روانی، قدرت همراهی و همکاری و سازگاری با دیگران را خواهند داشت. در برابر وسوسه‌های دروغین مهرورزی مقاوم و در عشق ورزیدن به مردم صادق خواهند بود.

بقیه در صفحه ۵۷

عدالت توصیه کرده است. ایشان فرموده‌اند: "إِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ حَتَّىٰ فِي الْقِتْلِ" ^{۳۱} - خداوند دوست می‌دارد حتی در بوسیدن بین فرزندانتان مراعات عدالت کنید. و کسی را که رعایت این معنا نکرده بود نهیب می‌زنند که: "چرا بین دو فرزندت رعایت مساوات نکردی؟! "^{۳۲}

برخی از صاحب‌نظران به صراحت نوشته‌اند: "یکی از آثار سوء بی‌عدالتی میان فرزندان ایجاد عقده حقارت و حسادت در روان آنهاست. کودکانی که در خانواده یکی از برادران یا خواهرانشان را مورد محبت بیشتر پدر و مادر می‌بینند، دلشکسته می‌شوند و خود را پست و حقیر احساس می‌کنند و تکرار این عمل، عقده حقارت و حسادت را در ضمیر آنان چنان تقویت می‌کند که تا پایان عمر در روحشان اثر می‌گذارد و آثار سوء آن در کردارشان ظاهر می‌گردد." ^{۳۳}

نمونه‌هایی از این عواقب سوء را در بعضی